

بررسی حدود پوشش زنان در آیه اخفاء زینت

محمد تقی گل محمدی*

علیرضا کمالی**

چکیده

پرداختن قرآن کریم به موضوع حجاب مانند اغلب مباحث اجتماعی، به شیوه تدریجی و براساس مبنای جامعه‌شناسانه است. خدای متعال بعد از بیان مباحث فطری و زیربنایی حجاب و فرهنگ‌سازی مناسب، با اشاره به نوع ارتباط زن و مرد و دستور به حفظ فرج و چشم، به بیان چگونگی پوشش و محدوده آن می‌پردازد. یکی از مهمترین آیات حجاب، آیه ۳۱ نور است که به مباحث جزئی پوشش زنان در برابر نامحرم اشاره دارد. این آیه با وجود تفاسیر متعدد، به‌خاطر اطلاق برخی کلمات آن و عدم بیان مصادیق جزئی و روایات متفاوت، مورد مناقشه فراوان قرار گرفته است، به‌ویژه در قرون اخیر به‌دلیل رواج فرهنگ غربی و نوع نگاه متفاوت به زنان، گروهی تفاسیر رایج پیرامون آیه و نوع پوشش زنان مسلمان را زیر سوال برده و با بیان شبهات، برداشت‌های متفاوتی را از آیه ارائه کرده‌اند. این پژوهش با توجه به بیان‌های متفاوت تفسیری و با در نظر گرفتن شبهات موجود، همراه با استفاده از روایات، آیه فوق را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۱ نور، آیات حجاب، پوشش، زنان، زینت در مسجد.

golmohammadi@yazd.ac.ir

kamali@maaref.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۶

** . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول).

** . مدرس گروه قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۷

طرح مسئله

نحوه پوشش و نوع حجاب زنان از اموری است که همواره مورد بحث و گفتگو بوده است. با پیدایش مکاتب جدید و نظریات روان‌شناختی و جامعه‌شناسی نو، رویکردها و نظریه‌های متفاوتی پیرامون این موضوع ارائه شده است، تا بدان‌جا که گروهی مبانی وحیانی و جایگاه برداشت‌های تفسیری آن را زیر سؤال برده‌اند و نحوه پوشش رایج بین مسلمانان را ناشی از تأثیرات پیرامونی فرهنگ‌ها و برداشت‌های علمی بی‌اساس درباره زن، دانسته‌اند، این گروه آیات حجاب را به‌گونه‌ای تبیین و تفسیر می‌کنند که گویا اشاره روشنی به حجاب زن و پوشش سر نداشته و فقط در صدد بیان راهکاری برای جامعه سالم و دور ماندن از فساد بوده است.

از جمله آیات ناظر به حجاب، آیه ۳۱ نور است. تفسیر متعددی که بیشتر آنها ناظر به برداشت‌های روایی است، فارغ از شبهات مربوطه ارائه شده است.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که دلالت آیه بر محدوده پوشش چگونه است؟ مقصود از زینت ظاهری در آیه چه زینتی است؟

نگاهی به آیه اخفاء زینت

این آیه از مهم‌ترین آیات حجاب است که صراحت بیشتری درباره محدوده پوشش و چگونگی آن دارد و افزون بر بیان موارد لازم در مورد پوشش زنان، به این نکته می‌پردازد که نزد چه افرادی پوشش کامل لازم نیست، از این رو همه مفسران برای پی‌بردن به جایگاه حجاب و نحوه پوشش زنان به آن تمسک کرده‌اند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور / ۳۱ و ۳۰)

و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند و شرمگاه خود را حفظ کنند، زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهران‌شان،

یا پدران‌شان، یا پدر شوهران‌شان، یا پسران‌شان، یا پسران همسران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان هم‌کیش‌شان، یا بردگان‌شان، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود و همگی به‌سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

در آیه قبل و ابتدای این آیه، از مردان و زنان مومن می‌خواهد تا نگاه خود را حفظ کرده و نسبت به موارد حرام چشم خود را فرو افکنند و مراقب فروج و عورات خود باشند، آن را پوشانده و از هر گناهی حفظ کنند^۱ اما در ادامه به‌خاطر جایگاه و موقعیت زنان و حساسیت حضور آنان در جامعه دستوراتی در نحوه پوشش و حفظ زینت‌های‌شان صادر می‌کند.

مفهوم‌شناسی

یکی از مواردی که سبب بروز اختلاف در برداشت از این آیه شده، تبیین و تفسیر برخی لغات و دستورات آیه است، از این‌رو ابتدا به بررسی برخی از واژگانی که مورد اختلاف بوده، پرداخته می‌شود.

الف) زینت

زینت در لغت از ریشه «زین» و به‌معنای، حسن شیء و نیکویی است. (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۷ / ۳۸۷؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۴۱) در اینکه زینت شامل زیبایی‌های متصله یا منفصله یا هر دوی آنها است، برخی گفته‌اند: زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن خارج باشد، اما زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۴۵) یعنی زینت جامع است برای هر چیزی که به‌وسیله آن تزئین می‌شود. از سخنان صحابه و مفسران نیز همین مطلب فهمیده می‌شود؛ زیرا گاهی گوشواره، النگو، خلخال و لباس را، جزء زینت می‌شمارند و گاهی نیز دست و صورت و گردن را. پس زینت شامل هر دو گروه آرایش‌های متصله و منفصله می‌شود.

ب) خُمُر

خُمُر از ریشه «خمر» و به‌معنای پوشاندن و پرده کشیدن است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۱۵) مفسران و

۱. اینکه آیه در مورد، حفظ چشم، عدم نگاه و فرو افکندن چشم در مقابل نامحرم سخن می‌گوید، یا درباره هر نگاهی که گناه باشد حتی اگر مربوط به نامحرم نباشد، و این که منظور از حفظ فرج، پوشش آن است یا زنا و این که هدف از عدم ذکر محدوده نگاه واگذاری آن به عرف بوده یا خیر، احتمالاتی است که درباره هر کدام اقوال و گاهی روایاتی بیان شده و باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد.

لغویان اغلب خُمَار را به همان معنای پوششی می‌دانند که مردم آن را مقنعه می‌نامند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۶) و زن سر خودش را با آن می‌پوشاند. (فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۸۱)

ریشه عربی آن به معنای پوشاندن و پرده کشیدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۱۵؛ فراهیدی، ۱۳۸۳: ۴ / ۲۶۲) و خمار زن چیزی است که زن به وسیله آن سر خود را می‌پوشاند. (طریحی، بی‌تا: ۶ / ۳۶۶؛ زبیدی، ۱۳۸۵: ۳ / ۲۹۲) خمار گرچه برای پوشش هر چیزی به کار برده شده (زبیدی، ۱۳۸۵: ۳ / ۲۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۱۵) اما برخی خواسته‌اند با استفاده از این معنای لغوی پوشش سر را زیر سؤال ببرند (ترکاشوند، ۱۳۹۰: ۵۴۲) که در روایات رسول اکرم ﷺ، (صدوق، ۱۴۱۳: ۱ / ۵۹) امام علی علیه السلام، (نعمان بن محمد، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۷۷)، برخی صحابه (بیهقی، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۳۲) و اشعار شاعران (محمد ابوالفضل، بی‌تا: ۱۴۵) اغلب به معنای پوشش سر و نوعی حجاب زنان که جلوی گردن، چانه و دهان را با آن می‌پوشانند (دزی، ۱۳۵۹: ۱۶۱) به کار رفته است. بنابراین گرچه «خمر» برای هر پوشش و لباسی به کار رفته است اما در مورد زن برای پوشش مخصوص او به کار می‌رود.

ج) جیوب

جیوب از ریشه «جیب» و جمع «جَیْب» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۹۷) و به معنای شکاف و هر چیزی که وسط آن قطع شود (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۶ / ۱۹۲) است. بیشتر لغت‌شناسان جیب را به یقه پیراهن معنا کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۹۷؛ طریحی، بی‌تا: ۲ / ۲۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۱۱۵ / ۲) همچنین آن را به قلب و سینه نیز معنا کرده‌اند. (قریشی، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۹۱) واژه جیب اغلب در کتب لغت همراه با قمیص می‌آید و آن را به معنای «گریبان پیراهن» می‌دانند. در قرآن نیز این معنا به کار برده شده (نمل / ۱۲؛ قصص / ۳۲) و گفته‌اند که مراد از جیوب در اینجا سینه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۲۲، طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۷) اما در این آیه برخی آن را به معنای هر شکافی یا شکاف دامن و فرج و سینه معنا کرده‌اند و هدف آیه را پوشش سینه، فرج و امثال آن می‌دانند که زن تنها همین نوع از جیوب را باید بپوشاند و حد ادنی در حجاب زن پوشانیدن جیوب پنهان است. (شحرور، ۱۹۹۹: ۶۰۶؛ ترکاشوند، ۱۳۹۰: ۵۴۲) این صورت از تأویلات بر خلاف سیاق و نص است و کاربرد کلمه جیوب در این معنا متداول نبوده است.

تبیین دلالت آیه

در آیه ۳۱ نور خدای متعال بعد از فرمان به حفظ نگاه و عورت، از زنان درخواست می‌نماید که آنان باید یک قدم فراتر رفته و افزون بر خودداری از نگاه آلوده و حفظ عفت، زینت‌های خود را هم آشکار نکنند. زینت هم شامل زینت‌های متصل و ذاتی مانند صورت، گردن، سینه و موی زیبا می‌شود و هم شامل

زینت عرضی و جدا شونده مثل؛ النگو، گوشواره و سرمه - مگر آنچه آشکار است. در این آیه ابتدا نهی از اظهار زینت - امر به پوشش - اطلاق دارد و هر نوع زینتی را در بر می‌گیرد، اما جمله «الاماظهرمنها» استثنایی بر این اطلاق است.

الف) دلالت «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»

در اینجا این سؤال مطرح است که جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» دلالت بر حرمت آشکار کردن و وجوب پوشش دارد یا نهی آن استحبابی بوده و از حد نصیحت تجاوز نمی‌کند؟ قائلان به استحبابی بودن معتقدند که: سیاق آیات دلالت بر وجوب ندارد این آیه در میان مجموعه‌ای از آیات قرار گرفته که ابتدای آنان با زبان تحدید و عقاب آمده و دلالت بر وجوب دارند (ابتدای سوره تا آیه ۲۷) اما با توجه به ادامه آیات که زبان تحدید را کنار گذاشته و به توصیه‌های اخلاقی می‌پردازد و با توجه به تعلیل بعد از آن «ذَلِكِ اَزْكَى لَهُمْ» حمل بر عدم الزام شده و اوامر آن استحبابی و نواهی آن کراهتی شمرده می‌شود. (قابل، ۱۳۸۴) آنان می‌گویند، امر در این آیه از حد نصیحت تجاوز نمی‌کند و هیچ اشاره‌ای به عقوبت کسانی که از این امر سرپیچی می‌کنند، ندارد. (احمد امین، ۱۹۹۲: ۸۲)

در جواب این گروه می‌توان گفت:

۱. آیه دارای امر ونهی است و تا دلیلی محکم بر خلاف آن نباشد امر مستلزم وجوب و نهی مستلزم حرمت است.

۲. اگر آنچه به‌عنوان تعلیل آیه ذکر کرده‌اند، تعلیل باشد و حکمت نباشد، نمی‌تواند دلیل بر استحباب باشد؛ چون موارد مشابهی وجود دارد، که با جمله «اَزْكَى لَهُمْ» آمده، اما به یقین دلالت بر امر ونهی دارد، «وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ اَزْكَى لَهُمْ» (نور / ۳۰)

۳. نمی‌توان ادعا کرد که چون در آیه به عقوبت اشاره نشده دلالت بر وجوب ندارد، هر کجا امری باشد و قرینه قطعی نباشد، مطلق امر دلالت بر وجوب دارد و قرائن مذکور دال بر انصراف از حقیقت نهی‌وامر نیست.

ب) دلالت «الاماظهرمنها»

درباره اینکه دلالت عبارت «الاماظهرمنها» و مقصود از زینت ظاهر چیست؟ و شامل کدام نوع از انواع زینت می‌شود؟ دو دیدگاه مطرح شده است:

گروهی منظور از استثناء در «الاماظهرمنها» زیبایی‌های ضروری ظاهری دانسته‌اند؛ یعنی اظهار آنچه که انسان برای مواجهه با دیگران ناگزیر است و پوشیدن آن دارای تکلف بسیار است، مانند دست و

صورت اشکال ندارد. این قول با اطلاق آیه نیز سازگار است؛ زیرا اطلاق «ولایبیدن زینت» عدم اظهار تمام زینت را در بردارد و استثناء بعد از آن به خاطر عدم ذکر مصداق فقط حد ضرورت که وجه و کفین است را شامل می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۷) این نظریه را می‌توان از سخن برخی صحابه در بیان مصادیق حجاب هم فهمید؛ زیرا گروهی از صحابه ظاهر بودن لباس یا اظهار فقط یک چشم را جایز دانسته‌اند. (سمرقندی، بی‌تا: ۲ / ۵۹۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۴۴) این قول در موردی صحیح است که مصادیق آن در روایات تبیین نشده باشد.

در صورت پذیرش این قول این سؤال مطرح است که میزان تشخیص ضرورت چیست؟ چون در برخی جوامع یا بعضی شغل‌ها، ظاهر بودن دست، پا، حتی صورت هم ضرورتی ندارد ولی در بعضی از کارها و یا برخی جوامع پوشیدن سر یا پا تا زانو، دارای سختی فراوان است.

دیدگاه دیگر درباره مقصود از عبارت فوق، «الاما ظهر منها طبیعتاً او عادتاً» است، بدین معنا که زن باید زینت‌های خود را بپوشاند، مگر آن قسمت‌هایی که به طور طبیعی و عادی آشکار است، در این صورت قسمت‌هایی از دست، پا، سر، صورت و گردن که به صورت طبیعی و عادی نمایان است، شامل می‌شود. زمخشری می‌گوید: اصل بر ظهور آنچه در عادت و طبیعت ظاهر است، می‌باشد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۳۱) دست، پا، صورت، گردن می‌تواند از مواضعی باشد که در عادت پوشیده نمی‌شود به ویژه در زمان صدر اسلام که وضع پوشش زنان بسیار بدتر بود و از روی عادت مقداری از بدنشان ظاهر بود، براین اساس برخی گفته‌اند: خدای متعال مصداق «الاما ظهر» را مشخص نکرده تا آن را به عرف زمان و مکان بسپارد و این یک استثناء مفتوح است و الزامی به پوشش سر و مو و گردن ندارد (جمال البناء، ۱۴۲۳: ۹۶) یا این که گفته شده «الاما ظهر» مواردی را که پوشش آن در آن زمان معمول نبوده، مثل سر، مو و گردن را خارج کرده است (ترکاشوند، ۱۳۹۰: ۵۸۰ - ۵۷۰؛ قابل، ۱۳۸۴) روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که با برخی از این اقوال هماهنگ است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «زن مسلمان آزاد اشکالی ندارد، بدون پوشش سر نماز بخواند». (طوسی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۸۹) یا اینکه بر زن مسلمان ایرادی نیست بدون مقنعه نماز بخواند. (طوسی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۸۹)

درباره این دیدگاه باید گفت: این روایت، افزون بر ضعف سند،^۱ التزام به مضمون آنها در تعارض جدی با آموزه‌های فقهی رایج است. از همین جهت به غیر از ابن جنید (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶: ۵۱) بقیه علما

۱. وجود محمد بن عبدالله بن ابویوب، که مجهول است و عبدالله بن بکیر فطحی که برخی او را ضعیف دانسته‌اند، سبب ضعف در سند شده است.

آن را نپذیرفته و درصدد توجیه آن بر آمده و گفته‌اند منظور نماز مستحبی یا نماز کنیز یا دختر غیر مکلف است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۱۸) افزون بر اشکال سندی و دلالتی این روایات در مورد ستر در نماز است و سرایت حکم آن به مطلق پوشش سخت است و این که برخی علما ستر در نماز را با مطلق پوشش یکی دانسته‌اند، به بحث و روایاتی برمی‌گردد که زن را عورت می‌داند (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۱۱ و ۵۳۴) و در صورت عورت دانستن زن، (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴: ۶ / ۱۵۲) شامل وحدت استدلال در هر دو حوزه؛ ستر صلاتی و مطلق ستر؛ می‌شود ولی اگر زن را عورت به معنای زشتی ندانند (خمینی، ۱۳۷۶: ۲ / ۴۲۳؛ صدر، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۴۹) این دو بحث با هم متفاوت می‌شود.

در جواب اینکه گفته‌اند: هدف از عدم ذکر مصداق، واگذاری آن به عرف است، باید گفت: مواردی که مصادیق آن در قرآن بیان نشده، زیاد است و نمی‌توان گفت خدای متعال آن را به عرف سپرده است، بلکه باید مصادیق آن را در آیات و روایات دنبال کرد.

پرسشی که در صورت پذیرش این قول مطرح می‌شود، این است، استثناء از روی عادت در جوامع مختلف متفاوت است آیا منظور عادت و طبیعت عرب آن زمان است؟ و آیا این عادت اعراب به همه دوره‌ها و به همه مکان‌ها سرایت می‌کند؟! یا هرکس نسبت به عادت و عرف زمان و منطقه خود باید پوشش را رعایت کند؟

آنچه به نظریه «الاماظهر منها طبیعتا» قوت می‌بخشد، بیان استثناءها در روایات و اقوال صحابه - که، به مواردی مثل: انگشتر، دستبند، صورت، مقداری از دست و پا و مواردی که در عادت ظاهر است، می‌باشد. همچنین از آن جهت این احتمال قوت می‌گیرد که آیه درصدد است تا زمینه‌های فساد، فحشا و زنا را از بین ببرد، و این امر به چند جهت است:

(الف) از مردان و زنان می‌خواهد تا چشم خود را فرو بندند و نگاه تند و آلوده به یکدیگر نداشته باشند تا پاک باشند «ذلک ازکی لهم».

(ب) از زنان می‌خواهد تا زینت‌های مخفی و تحریک‌کننده برای غالب افراد را بپوشانند.

(ج) در ادامه آیه گروه‌های فاقد شهوت را استثناء کرده است.

(د) در آیه قواعد (زنان سالخورده) را از این امر استثناء نموده است.

از این رو آیه درصدد منع اظهار هر زینت تحریک‌کننده است؛ اعم از آنکه سینه، گردن و تن باشد یا سر، صورت، دستبند و حناء، اما بیان استثناء «الاماظهر منها» بعد از امر به پوشش، ممکن است دارای دو جهت باشد:

۱. اینکه زینت‌های معمول جنبه زینتی و تحریک‌کنندگی آنها نسبت به زینت‌های پنهان کمتر است و

هم اینکه آن قدر معمول و رایج است که در جامعه محرک به حساب نمی‌آید.

۲. ممکن است، این زینت‌ها محرک و زمینه‌ساز فحشا باشند اما پوشش آنها برای زن دارای، عسر و حرج است و از آن جهت که زنان باید دارای زندگی معمول خود باشند، آنها را استثناء کرده است ولی از مردها می‌خواهد تا چشم‌های خود را فروبندند.

در نتیجه اگرچه، ادعای عدم تعیین محدوده زینت برای باز گذاشتن باب اجتهاد و تطبیق آن با زمان، ادعای بی‌مورد و بدون دلیل است اما مقدار زینت ظاهر، از آیه مشخص نمی‌شود و اینکه گفته شود، چون آیه در ادامه اشاره به پوشش با خمار کرده و زنان عرب با خمار، سر را می‌پوشاندند، پس سر در عادت خارج از زینت ظاهر است، صحیح نیست؛ زیرا براساس روایات و گزارش‌های تاریخی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۷) به نظر می‌رسد، زنان عرب با خمار، تمام سر را نمی‌پوشاندند و نیز همه آنان از خمار و پوشش سر استفاده نمی‌کردند (ابومسلم، بی‌تا: ۲ / ۷۰۴؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۱ / ۹۶؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۷۳) و ممکن بوده حداقل جلوی سر، یا موهای جلو، آشکار بوده باشد. اگر گفته شود وجود خمار برای پوشش جیوب موضوعیت ندارد و آیه درصدد بیان مصداق نیست، آن وقت هر چیزی که گردن و سینه را بپوشاند، کفایت می‌کند و دیگر آیه پوشش مو را در بر نمی‌گیرد. این مسئله در میزان پوشش مچ تا آرنج یا کمی بالاتر از ساق پا هم ممکن است به وجود بیاید؛ چراکه در آن زمان، عادت بر پوشش آنها نبوده، مگر این که گفته شود اظهار اینها زمینه ایجاد فحشا و فساد در جامعه می‌شود و از این لحاظ پوشش آنها لازم است، از این رو، حکم میزان پوشش و زینت ظاهر در مورد سر و مقداری از دست و پا، در آیه دارای ابهام است و برای فهم آن باید به روایات رجوع شود.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا ساعد زن، از زینت‌هایی است که باید پوشیده شود، امام علیه السلام فرمود: «بله ما دون خمار و ما دون سوارین (دستبند) باید پوشیده شود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۲۰) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره «ولایبیدن زینتهن...» پرسید، امام علیه السلام فرمود: منظور از «ما ظهر» انگشتر و دستبند است (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۲۰۱) اما آیا استثنای امام علیه السلام در این حدیث تام و کامل است که دلالت آن بر پوشش تمام اعضاء حتی صورت (به غیر از انگشتر و دستبند) هم باشد، یا استثنا تام نیست و امام بنا به دلایلی، این دو مورد از استثناء را بیان فرموده است. به نظر می‌رسد مورد دوم صحیح است؛ زیرا موارد دیگری وجود دارد که امام علیه السلام چیزهای دیگر مثل سرمه و حنای دست را استثناء کرده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۲۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۲۰۱؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۰۱) به‌ویژه در روایتی چنین آمده است که از امام رضا علیه السلام درباره دیدن موی خواهر زن سؤال شد، ایشان در پاسخ فرمود: نگاه به موی او جایز نیست مگر آن که از سالخورده‌گان باشد و خواهر زن با زن عربیه (غریبه) یکی است. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۱۹۹)

این روایت صراحت بر حرمت نگاه به موی زن نامحرم دارد؛ زیرا نگاه به موی خواهر زن را مانند نگاه

به موی زنان دیگر دانسته است. روایات متعدد دیگری است که پوشش سر را برای دختر هنگام بلوغ لازم دانسته یا اینکه بر زن لازم دانسته جلوی پسر بالغ، سر را بپوشاند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۳۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳ / ۴۳۶)

در این صورت روایات صحیح که مصادیقی از «الاماظهر منها» را می‌شمارند مو، ساعد و دست به غیر از کفین را - که بیان آیه در مورد آنها تمام نبود - جزء زینت باطن دانسته و پوشش آنها را لازم می‌داند و این در صورتی است که بیان امام علیه السلام برای تمام زمان‌ها و همه قبایل باشد و مربوط به عرف و زمان خودشان نباشد.

در ادامه آیه، خدای متعال قدر متیقن و میزان مسلمی را از زینت باطن، برای تاکید بیان کرده و پوشش آن را لازم می‌داند و *لیضربن بخمرهن علی جیوبهن* در معنای خمر گفته شد، یک معنای لغوی دارد یعنی پوشش، و عرب در سخنان خود گاهی از آن استفاده می‌کرده است و یک معنای رایج و پرکاربرد به معنای، پارچه‌ای است که با آن سر را می‌پوشاندند. در معنای جیوب هم گفته شد معنای لغوی آن شکاف است ولی معنای غالب و رایج آن که قرآن هم از آن استفاده کرده، یقه پیراهن یا سینه است. در این صورت اگر بر مبنای معنای لغوی و ریشه‌ای ترجمه شود، معنای آیه چنین می‌شود:

پوشش‌ها یا پارچه‌های خود را (که جهت پوشیدن بدن استفاده می‌کنید) بر روی شکاف‌های بدن خود (مثل عورت و سینه‌ها) قرار دهید.

این آیه در سال‌های آخر عمر پیامبر نازل شده است، در این وضعیت افزون بر ترجمه قرآن با معنای شاذ و غیر مرسوم و خلاف روایات صحیح آیا درست است که گفته شود مسلمانان بعد از حدود ۲۰ سال از گذشت اسلام و بعد از تأکیدهای فراوان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز احکام اولیه مثل پوشش عورت را رعایت نمی‌کردند و آیه در صدد آموزش پوشش عورت به مسلمانان است؟!

اما اگر مبنای ترجمه معنای غالب و رایج «خمر» و «جیوب» در نظر گرفته شود، معنای آیه چنین می‌شود: «پوشش‌های سر خود را بر گریبان خود قرار دهید تا سینه و گردن شما پوشیده شود» و این با گزارش‌های تاریخی و شأن نزول آیه که بیان شده، زنان آن زمان گوشه‌های سرپوش خود را به پشت سر می‌انداختند و از آنجا که پیراهن‌شان هم دارای پوشش مناسبی نبود گردن و سینه‌هایشان نمایان بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۷)، مناسب است. در این صورت بیان آیه چنین می‌شود: «خدای متعال که می‌خواهد جلو فحشا و فساد در جامعه گرفته شود و راه‌های ابتلاء به آن را ببندد، دستور می‌دهد اولاً چشم‌های خود را از گناه و نگاه آلوده (که مقدمه گناه است) فروبندند و فروج خود را حفظ کنند. (هم از نظر پوشش و هم از نظر عفت و پاکدامنی) و زینت‌های خود (زینت ذاتی و عرضی) را که سبب تحریک

و فساد می‌شود، بیوشانند، مگر آنچه طبیعتاً آشکار است (آنگاه نمونه بارز و قدر مسلم زینت را که زنان در پوشش آن بی‌مبالاتی خرج می‌دادند، تذکر می‌دهد و می‌گوید) و سرپوش‌های خود را روی گریبان و گردن خود قرار دهید (چراکه این از زینت‌هایی است که نباید آشکار باشد).

در پایان آیه خدای متعال برای جلوگیری از فساد و فحشا در جامعه به کاری که برخی زنان در جامعه جاهلیت انجام می‌دادند، اشاره و می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ».

فعل «ضرب» معنایی رایج دارد که به معنای حرکت دادن، جنباندن و به هم زدن است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۰۵) و با کمک قرینه می‌تواند دلالت بر هر عمل و فعلی داشته باشد (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۷ / ۳۰) با قرینه «ارجلهن» می‌توان گفت: منظور به حرکت درآوردن یا به هم زدن پا است؛ زیرا بعد از آن می‌گوید: «تا زینت‌های شما دانسته شود».

برخی از جمله «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» نتیجه گرفته‌اند که منظور از زینت باطن مو، سر و مانند آن نیست؛ چراکه با زمین زدن پا، موی زنان آشکار نمی‌شود، بنابراین سر و مو نمی‌تواند از زینت‌های مخفی باشد که خدای متعال دستور به عدم اظهارش داده است (عقله، <http://knoooz.com>) در پاسخ باید گفت، توجه به سبب نزول نشان می‌دهد که این جمله، برای تبیین مصداق زینت مخفی نازل نشده، همچنین «یعلم» به معنای نشان دادن بصری نیست و همه مفسران آن را به شناخته شدن و دانستن معنا کرده‌اند و افزون بر آن که مخالف روایات است، سیاق آیه نیز نشان‌گر این نیست که جمله «وَلَا يَضْرِبْنَ» درصدد بیان مصداق باشد.

از آنجاکه گفته شد منظور از زینت هر نوع زینت طبیعی و غیرطبیعی است و بحث در انسداد راه‌های شهوت است، آیه بیانگر آن است که پاهای خود را به‌صورتی حرکت ندهید یا به هم نزنید تا نامحرم از زیبایی شما مطلع شود. پس ممکن است هر عمل عمدی که سبب جلب نامحرم و اطلاع از زیبایی زن شود، بر او حرام باشد.

این مطلب با شأن نزولی که درباره این بخش از آیه بیان شده، هماهنگ است و آن این است که زنان در آن زمان در کوچه‌ها می‌رفتند و هرگاه به نزدیک مردی می‌رسیدند برای این که توجه او را جلب کنند پا یا خلخال‌های خود را به هم می‌زدند تا به این صورت زینت خود را نشان داده و آن را آشکار کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۸)

استثناءهای آیه

قرآن کریم در این آیه مواردی را که زنان اجازه برداشتن حجاب و آشکار نمودن زینت پنهان خود را یافته‌اند، بیان فرموده است:

۱. شوهران «الالبعولتهن»؛
۲. پدران «وآبائهن»؛
۳. پدران همسر «وآباء بعولتهن»؛
۴. پسران خود «واینائهن»؛
۵. پسران همسر «وایناء بعولتهن»؛
۶. برادران خود «واخوانهن»؛
۷. پسران برادر «وینی اخوانهن»؛
۸. پسران خواهر «وینی اخواتهن»؛
۹. زنان «اونسائهن»؛
۱۰. بردگان خود «وما ملکت ایمانهن»؛
۱۱. کسانی که نیاز به زن یا میل جنسی ندارند «والتابعین غیراولی الاریه من الرجال»؛
۱۲. کودکانی که از عورات زنان آگاه نیستند «والطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء».

روشن است که در هشت مورد نخست زنان می‌توانند زینت باطن خود را بر آنها آشکار کنند اما درباره کیستی مصادیق استثنای پایانی آیه نظرهای متفاوتی از سوی مفسران بیان شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

الف) زنان

عبارت «نسائهن» از موارد استثناء شده است به این معنا که زنان مومن لازم نیست زینت‌های خود را جلوی زنانشان بیوشانند. مفسران در مورد اینکه زنان مومن لازم نیست، جلوی کدام گروه از زنان، خود را بیوشانند، اختلاف نظر دارند، از این رو در بیان مرجع ضمیر «هن» دو نظر وجود دارد:

یک. زنان مومن: غالب مفسران مرجع ضمیر «هن» را زنان مومن و مسلمان دانسته‌اند؛ یعنی زنان مسلمان فقط جلوی زنان مومن و مسلمان می‌توانند زینت خود را آشکار کنند. در این صورت مفهوم جمله چنین است، «بر زنان مسلمان جایز نیست که زینت‌های خود را برای زنان غیرمسلمان آشکار کنند.» البته گفته‌اند، عدم جواز در اینجا دلالت بر حرمت نمی‌کند و آیه صراحت در حرمت ندارد، اغلب فقها هم قائل به حرمت پوشش زنان مسلمان در برابر زنان غیر مسلمان نیستند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۵۷)

دو. تبعیت از ما قبل: گروهی دیگر معتقدند ضمیر «هن» به همه زنان باز می‌گردد؛ یعنی زنان مسلمان می‌توانند جلوی زنان دیگر زینت خود را آشکار کنند و بیان ضمیر «هن» برای تبعیت از ما قبل

است؛ زیرا در این آیه ۲۵ ضمیر آمده و در هیچ جای قرآن مثل اینجا ضمیر به کار نرفته است و این مورد هم برای تبعیت آمده (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۳۷۲) و گفته‌اند، «نسائهن» عام است به‌خاطر اینکه از جنس زنان هستند. (میبدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۸۴)

قول نخست از این جهت دارای قوت است که مرجع ضمیر، مثل ضمایر قبل مشخص است و طبق سیاق و ظاهر آیه پیش می‌رود و مطابق برخی روایات (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۵۱۹) است اما این ایراد نیز به آن وارد است که دلالت بر عدم حرمت با سیاق آیه سازگار نیست، اما قول دوم از این جهت که آیه و روایتی دال بر حرمت پوشش زن مسلمان نسبت به زن غیرمسلمان نداریم و فقها هم غالباً قائل به وجوب پوشش زن مسلمان نسبت به زن کافر نیستند، دارای قوت بیشتری است.

ب) بردگان

گروه دیگری که در این آیه استثناء شده است بردگان (ملک یمین) هستند. ملک یمین به غلام و کنیز گفته می‌شود اما در اینکه، منظور از «ملک یمین» در اینجا هر دو یا فقط کنیزان را شامل می‌شود، دو نظریه وجود دارد:

یک. گروهی که در «نسائهن» قائل به زنان مومن شده‌اند اغلب در اینجا نیز قائل به کنیز شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۳۲) و این‌گونه تفسیر می‌کنند که چون در جمله بالا زنان مومن را استثناء کرد و اظهار زینت جلوی زنان کفار دارای اشکال دانسته شد، در اینجا، کنیزان را استثناء کرد؛ زیرا ممکن است کنیزی کافر باشد، در این صورت اظهار زینت باطن نزد آنها بدون اشکال است و از جهت دیگر این با هدف آیه، سازگارتر است؛ زیرا هدف جلوگیری از فساد و فحشاء است و به‌طور مسلم غلامان نیز ممکن است با دیدن اندام مولای خود، تحریک شوند و شاید آنها بیشتر هم در معرض تحریک و آسیب‌پذیری باشند؛ زیرا چه‌بسا زمان زیادی با هم سر کنند که آشکار شدن زینت سبب تحریک به فحشاء باشد. همچنین با روایت امام علی علیه السلام که فرمود: «غلام نباید به موی زنی که مولای اوست، نگاه کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۲۵) سازگار است.

دو. گروه دیگر با استفاده از اطلاق «ملک یمین» معتقد است «ملک یمین» شامل کنیز و غلام می‌شود. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۹۵) این گروه که از اطلاق آیه استفاده کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۱۲) روایاتی در این زمینه آورده‌اند اما اغلب به این اشاره دارند که زن فقط می‌تواند برخی از زینت‌های باطن که معلوم و محدود است را جلوی عبد خود ظاهر کند.

این قول افزون بر هماهنگی با فرهنگ آن زمان، برای جلوگیری از تکلف و عسر و حرج زن مناسبت

دارد؛ چراکه عبد همیشه در خانه زن حضور دارد و زن نمی‌تواند به‌طور دائم پوشش کامل داشته باشد، در ضمن روایت، زینت باطن قابل آشکار جلوی عبد را، به دست و مقداری از مو و سر تقلیل داده است، اما قول نخست با احتیاط موافق است.

ج) مردان فاقد شهوت

یکی دیگر از استثناءهای آیه افراد فاقد شهوت است که از آن با عبارت «غیراوبی الاربه» یاد شده است. ازجمله معانی «ارب» حاجت و عقل است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۸۹) و به حاجت مهم (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۸ / ۲۸۱) و شدت احتیاج (راغب اصفهانی، بی تا: ۷۷) نیز معنا شده است. «غیراوبی الاربه» به کسانی گفته می‌شود که در آنان شهوت جنسی وجود ندارد. آیه به‌صورت مطلق شامل همه کسانی می‌شود که میل جنسی ندارند اما در اینکه این گروه شامل چه کسانی هستند، اختلاف نظر است، برخی آنان را شامل مردان سفیه و ناقص العقل که میل جنسی در آنان نیست، می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۶) و گروهی آنان را شامل بردگان خصی و خواجه که در انجام عمل جنسی ناتوانند، دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۱۸) و برخی آنان را شامل مردان پیر و از کار افتاده که تمایلات جنسی آنها از بین رفته و برخی دیگر آن را شامل مردان فقیر که به خدمتکاری مشغول هستند، می‌دانند. فخررازی همه گروه‌های مزبور را شامل دانسته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۳۶۶)

با توجه به قبل و بعد آیه؛ هدف آیات حجاب حفظ جامعه از آلودگی جنسی، فحشاء و فساد است، پس استثناء آیه هم باید شامل همه گروه‌هایی که ممکن است در منجلاب فساد بیفتند، بشود، مثل پیرمردانی که توانایی جنسی از آنان سلب شده، همچنین خصی‌ها؛ زیرا این افراد شاید از نظر زنا و نزدیکی با زنان ناتوان باشند ولی ممکن است، از نظر تمایلات روحی، دوست داشتن زیبایی‌ها و یا مشاهده برخی موارد از زنان، به آنان نزدیک شده و خواستار معاشقه و لمس آنها شوند.

د) کودکان غیرممیز

در ادامه استثناء خداوند می‌فرماید: «او الطفل الذین لم یظهوروا علی عورات النساء» واژه «لم یظهوروا علی» چون با حرف اضافه «علی» آمده، می‌تواند به معنای پی‌بردن و آگاه شدن باشد؛ یعنی کودکانی که از عورات زنان چیزی نمی‌فهمند و درکی از آن ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۴۵۳) همچنین می‌تواند مفهوم غلبه و قدرت را بدهد؛ یعنی «کودکانی که توانایی جنسی و غلبه بر زنان را ندارند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۶۱) که در این صورت کودکان ممیز غیر مکلف را شامل نمی‌شود که با هدف آیه سازگار نیست. در اینجا می‌تواند هر دو معنا را در بر بگیرد؛ یعنی کودکانی که توانایی جنسی نداشته و از عورات زنان هم چیزی نمی‌فهمند. اما اگر «لم یظهوروا علی» را فقط به معنای عدم درک و فهم بگیریم و آن را علت کشف زینت

بدانیم، آن گاه شاید بتوان گفت منظور از «اولی الاربه» کسانی است که آگاهی از عورت زن ندارند، مانند مجانین، اما درباره پیرمرد و خصی باید احتیاط نمود.

نتیجه

آیه ۳۱ نور، به‌عنوان مهم‌ترین آیه در موضوع حجاب، روند تکمیلی حکم حجاب را به پایان می‌رساند و بعد از سال‌ها تاکید و تلاش پیامبر ﷺ برای از بین بردن رسوم جاهلیت و ایجاد جامعه‌ای سالم و عقیف، بر چگونگی پوشش زنان تاکید کرده و از آنان می‌خواهد تمام راه‌های منتهی به فساد و فحشا مسدود گردد. در این آیه مقداری از پوشش که دارای قدر مسلم است؛ مثل گردن، سینه و عورت، را بیان نموده اما چون مصادیق استثناء بیان نشده و در بیان مقادیر مشکوک، مانند مقداری از دست، پا و موی سر، سخنی گفته نشده است، آیه مورد نزاع واقع شده و برخی به اطلاق جمله استناد کرده و حد ضرورت را زینت ظاهر دانسته، گروهی نیز به تشخیص خود مقداری را به‌عنوان زینت ظاهر بیان کرده و بقیه را به عادت و عرف جامعه سپرده‌اند و بعضی هم آیه را حمل بر استحباب کرده و با بیان شبهاتی حجاب مشهور را زیر سؤال برده‌اند که ظاهراً سخنانشان خارج از مبانی تفسیری و حقایق ادبی است و گاهی لغات را براساس ریشه لغوی آنها و بدون توجه به معانی عرفی و مصطلح معنا کرده و گاهی هم بدون توجه به روایات ائمه علیهم‌السلام به تفسیر آیه پرداخته‌اند، این در حالی است که با بررسی روایات مختلف پیرامون پوشش زنان، این نتیجه به‌دست می‌آید که ائمه علیهم‌السلام، در بیان مصادیق زینت ظاهر و باطن، موی سر، ساعد و ساق را، که مورد شبهه بود، به‌عنوان زینت باطن شمرده و پوشش آن را برای زن لازم می‌دانند.

موارد استثناء شده در آیه، بیانگر آن است که هدف اصلی قرآن ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فحشا و فساد است، از این رو پوشش زینت باطن، جلوی برخی افراد و گروه‌ها که نگاه شهوانی به زنان ندارند، لازم نمی‌داند و در مورد افراد مشکوک باید احتیاط کرد.

بنابراین در بین دو احتمال موجود:

یک. اینکه قرآن کتابی ابدی است و باید با همه زمان‌ها تطبیق داشته باشد، از این رو مقدار زینت ظاهر و موارد مشکوک درباره پوشش زنان را در هر زمان را بر عهده عرف جامعه گذاشته است.
 دو. خدای متعال تبیین این موضوع مانند بسیاری از موارد دیگر را نیز بر عهده رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام گذاشته است، می‌توان گفت براساس روایات، احتمال قوت نظر دوم بیشتر بوده و محدوده پوشش مد نظر قرآن، براساس سفارش‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرهنگ و نوع پوشش زنان عصر نزول، مشخص بوده ولی به‌خاطر عوامل مختلف مثل منع حدیث و نفوذ فرهنگ‌های متفاوت بین اعراب و در دسترس نبودن گزارش‌های تاریخی واقعی، حقایق حجاب در عصر نزول به‌دست ما نرسیده اما در دوره‌های بعد، ائمه علیهم‌السلام این رسالت را تکمیل کرده و حقایق قرآنی را برای ما بازگو کرده‌اند، از این رو به احتمال قوی پوشش کامل زنان به

جز وجه و کفین، که مشهور بین مفسران و فقها است و مورد تأکید برخی روایات نیز هست، قول صحیح در پوشش می‌باشد، گرچه این نکته همچنان جای تأمل و بررسی بیشتر دارد که، آیا مصادیق مطرح شده توسط ائمه علیهم‌السلام براساس فرهنگ و نیاز زمان خودشان بوده یا مصادیقی عام و کلی برای همه زمان‌ها است که در صورت اثبات اولی، محدوده پوشش را باید براساس احتمال یکم (عرف جوامع) بررسی کرد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، *مجموعه فتاوی ابن جنید*، تحقیق علی پناه اشتهاردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار الجبل.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام هارون، ج ۱، ۲ و ۳، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- أبو داود سجستانی، سلیمان بن أشعث، ۱۴۱۹، *سنن ابی داود*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصریه.
- احمد امین، حسین، ۱۹۹۲ م، *حول الدعوه الی تطبیق الشریعة بالاسلامیه*، کویت، دار سعاد الصباح.
- امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶، *مستند تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ ق، *الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و آله و سننه و آیامه*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی‌جا، دار طوق النجاة.
- بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۲۴ ق، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جمال البنا، ۱۴۲۳ ق، *الحجاب*، قاهره، دار الفکر الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *تفسیر سوره احزاب*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- دزی رینهارت، ۱۳۵۹، *فرهنگ البسه مسلمانان*، ترجمه حسینعلی هروی، بی‌جا، نشر کتاب.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، *مفردات الالفاظ القرآن*، دمشق، دار الشامیه.

- زبیدی، مرتضی محمد بن محمد، ۱۳۸۵ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الهدایه.
- زمخشری، جار الله محمود، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن الحقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بی تا، *بحر العلوم*، بیروت، دار الفكر.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ ق، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شحرور، محمد، ۱۹۹۹ م، *الكتاب و القرآن قراءه معاصره*، دمشق، الاهالی.
- صدر، سید محمد، ۱۴۲۰ ق، *ما وراء الفقه*، بیروت، دار الأضواء.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، بی تا، *مجمع البحرین*، تهران، بنیاد بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۹۰ ق، *الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۴۰۷ ق، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ج ۴.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۸۳، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی، تهران، اسوه.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر*، قم، دار الهجره.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر قمی*، قم، دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمد ابوالفضل، ابراهیم، بی تا، *دیوان امرء القیس*، قاهره، بی نا، ج ۴.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عدده الأبرار*، تهران، امیر کبیر.
- وحید بهبهانی، محمدباقر، ۱۴۲۴ ق، *مصابیح الظلام*، قم، مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی.

منابع اینترنتی

- ترکاشوند، امیرحسین، ۱۳۹۰، *حجاب شرعی در عصر پیامبر*، تهران، بی جا:
- Baznegari.blogspot.com, Mirvand.persianblog.ir.
- عقله، احمد، *زی المرأه فی الاسلام*، <http://knoooz.com>.
- قابل، احمد، ۱۳۸۴/۴/۲۴، *مقاله حجاب*، <http://3danet.ir> nafi3/issuu.com